

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: فرید پرواز

۲۰ دسمبر ۲۰۱۳

## معاهدات روسیه تزاری با ایران لغو شد

### آن مرد که ریسمان گلوی ما را رها کرده لنین است

در روز ۲۶ آذر [قوس] سال ۱۲۹۶، در پی سقوط حکومت تزارهای روسیه و پیروزی انقلاب بلشویکی، دولت تازه این کشور طی یادداشتی معاهدات تحمیلی میان دولت روسیه تزاری با ایران را فاقد اعتبار اعلام کرد. دولت بلشویکی روسیه در این یادداشت با تأکید بر این که کلیه معاهداتی که دولت قبلی روسیه به اجبار بر ایران تحمیل کرده از درجه اعتبار ساقط است، بر اساس سخنرانی لنین رهبر انقلاب روسیه که در پی پیروزی انقلاب ایراد شده بود، مبنای اعتبار معاهدات ایران و روسیه را رضایت دو طرف تعیین کرد.

بامداد ۷ نومبر سال ۱۹۱۷ میلادی بود که بلشویک‌ها بر اساس یک نقشه از پیش طراحی شده مراکز عمده تصمیم‌گیری و مهم شهر پتروگراد یا همان سن‌پترزبورگ پایتخت روسیه تزاری را تصرف کردند اما شکل‌گیری ایده انجام این عملیات به ۲۳ اکتوبر سال ۱۹۱۷ میلادی، یعنی حدود دو هفته قبل از پیروزی آن بازمی‌گشت. در این روز، لنین، رهبر بلشویک‌ها مخفیانه پناهگاهش در فنلاند را برای شرکت در جلسه کمیته مرکزی حزب ترک کرد. او در جلسه کمیته لزوم شورش مسلحانه را به تصویب رساند و بر اجرای آن تأکید کرد. این عملیات که به سقوط دولت الکساندر کرنسکی، رئیس دولت موقت روسیه انجامید بعدها در ادبیات بلشویک‌ها «انقلاب اکتوبر» نام گرفت.

انقلاب اکتوبر بر روابط دیگر کشورها با روسیه که حالا به سوی تبدیل شدن به اتحاد جماهیر شوروی حرکت می‌کرد، تأثیرات فراوانی داشت. از آن جمله در روابطش با ایران چرا که دولت بلشویکی روسیه حدود یک ماه بعد، در چند اعلامیه جداگانه قراردادهای تحمیلی دولت روسیه تزاری علیه ایران را لغو و از بدهی‌های مالی این کشور صرف‌نظر کرد.

لنین شخصاً در اعلامیه‌ای که در ۱۴ دسمبر ۱۹۱۷ برابر با ۲۳ آذرماه ۱۲۹۶ به امضای او صادر شد، عهدنامه آگست سال ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه دایر بر تقسیم ایران به دو منطقه تحت نفوذ و یک منطقه بی‌طرف فیما بین و ضمامت محرمانه آن را فاقد اعتبار اعلام داشت و تأکید کرد که هرگونه قراردادی که با استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی عمل ملت ایران مغایرت داشته و آن را محدود کند از این لحظه بی‌اعتبار است و همه را پاره کرده و دیگر وجود خارجی که بتوان به آن‌ها استناد کرد، موجود نیست.

متن بخش‌هایی از پیام لنین که در همان زمان در شهر تهران منتشر شد چنین بود: «رفقاء! برادران! وقایع عمده در خاک روسیه در جریان است. خاتمه مجازات خونینی که از برای تقسیم کردن ممالک دیگران شروع شده بود نزدیک

می‌شود. سلطنت وحشیانه که زندگانی ملل عالم را بنده خود قرار داده بود مقهور گردید. عمارت کهنه و پوسیده استبداد و بندگی در زیر ضربات انقلاب روس خراب می‌شود... حکومت مملکت در دست ملت است... روسیه در این مقصود مقدس تنها است... هندوستان دوردست که قرون متمادی تحت ظلم و فشار درندگان متمدن اروپا واقع شده بود بیرق انقلاب برافراشته... سلطنت غارت و زور سرمایه‌داران منقرض گردید. مسلمانان مشرق!، ایرانیان!، ترک‌ها، عرب‌ها!، هندی‌ها!، تمام طوایفی که سیاح حریص اروپا زندگی و دارائی و آزادی شما را در قرون متوالی مال‌التجاره از برای خود قرار داده و غارتگران جنگجو می‌خواهند ممالکتان را تقسیم کنند! ما اعلام می‌کنیم که عهدنامه سری راجع به تقسیم کشور ایران محو و پاره گردید و همین که عملیات جنگی خاتمه یابد، قشون روس از ایران خارج می‌شود و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد شد... در این موقع که حتی مسلمانان هند که تحت ظلم و فشار بیگانه کوبیده و فشرده شده‌اند به ضد ستمکاران شورش می‌کنند نباید خاموش نشست. فرصت را غنیمت و غاصبین را از اراضی خود دور اندازید. ما ملل مظلومه را برای استخلاص زیر پرچم‌های خود جای می‌دهیم. ای مسلمانان روسیه! ای مسلمانان مشرق زمین! ما در این راه تجدید حیات عالم از جانب شما انتظار هم‌عقیدگی و مساعدت داریم.»

اعلامیه لنین غوغائی در عرصه دیپلماسی ایران به پا کرد به طوری که دولتمردان ایران ناباورانه و با شک و تردید از سفیر خود در پتروگراد خواستند که از دولت شوراها توضیحات بیشتری بخواهند. الغای قرارداد ۱۹۰۷ توسط لنین و بلشویک‌ها بر روی مردم ایران هم تأثیرات مثبتی گذاشت به طوری که بسیاری از روشنفکران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و شعرای ایران مطالب متنوعی را در وصف «لنین» نوشتند. از آن جمله ملک‌الشعراى بهار بود که در توصیف وضعیت ایران در دوران روسیه تزاری و نقش لنین در تغییر آن وضعیت می‌نویسد: «دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلوی کسی انداختند که او را خفه کنند. هر کدام یک سر ریسمان را گرفته می‌کشیدند و آن بدبخت در میان تقلا می‌کرد، آنگاه یکی از آن دو خصم یک سر ریسمان را رها کرد و گفت ای بیچاره من با تو برادرم و مرد بدبخت (ایران) نجات یافت. آن مرد که ریسمان گلوی ما را رها کرده لنین است.»

این اعلامیه نخستین قدمی بود که شورای کمیسرهاى روسیه یا همان دولت روسیه شوروی درباره ایران برداشت. اقدامی که امیدهای فراوانی را در دل‌ها ایجاد کرد. پیرو این اعلامیه، دولت روسیه شوروی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۱۷ برابر با ۲۶ آذر ۱۲۹۶ به منظور جلب دوستی ایران در یادداشتی، کلیه امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره تزارها به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران به آن‌ها کمک و از ادعاهای آن کشور درباره مطالبه خسارت زمان جنگ پشتیبانی خواهد کرد. دولت شوروی در ادامه مواضع انقلابی و تبیین دیدگاه خود درباره ایران و مردم ایران، سیاست نرمش و ملامت خود را فزونی بخشید، به طوری که در تکمیل بیانیه‌های خود درباره قراردادهای روسیه تزاری با ایران، به وعده قبلی عمل کرده و به طور مشخص قرارداد ۱۹۰۷ را به صورت رسمی ملغی اعلام کرد.

لئون تروتسکی از رهبران شاخص انقلاب اکتوبر حدود یک ماه پس از اعلامیه آشتی‌جویانه لنین، اعلام کرد که به واحدهای نظامی روسیه که بر طبق عهدنامه انگلستان و روسیه مبنی بر تقسیم ایران در این کشور مستقر شده‌اند، دستور خروج فوری از این کشور را داده است. تروتسکی به عنوان کمیسرهاى امور خارجه دولت بلشویکی در قسمتی از نامه رسمی خود که در تاریخ ۱۴ جنوری ۱۹۱۸ برابر با ۲۴ جدی ۱۲۹۶ به سفارت ایران در سن‌پترزبورگ ارسال شد، آورده است: «نظر به این که ملت ایران از وضع آتیة عهدنامه ۱۹۰۷ منعقد بین روس و انگلیس مردد است با نهایت احترام به نام حکومت جمهوری روسیه مراتب ذیل را به استحضار خاطر شریف می‌رساند: موافق نص صریح اصول سیاست بین‌المللی که در کنگره ثانی کمیسرهاى ممالک روسیه در ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۷ مقرر شده است، شورای

کمیسیس‌های ملت روس اعلام می‌دارند که معاهده فوق‌الذکر نظر به این که علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین روس و انگلیس بسته شده به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز، هر جا حیات ملت، آزادی و استقلال ایران را محدود نماید، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

در خصوص تعدیات دسته‌جاتی از قشون روس که هنوز خاک ایران را تخلیه نکرده‌اند باید خاطر نشان شود که این ترتیبات خلاف اراده و میل ما صورت گرفته و ناشی از جهالت قسمتی از سربازان و سوءنیت ضد انقلابی فرماندهان ایشان است. شورای کمیسیس‌های روسیه آنچه در حیز قدرت دارد به استخلاص ایران از مأمورین تزار و سرمایه‌داران امپراتوری خود که هم دشمن ملت ایران و هم خصم روسیه می‌باشند مبذول داشته تمام اتباع روس را که مرتکب اعمال تجاوزکارانه نامشروع نسبت به ملت ایران شده‌اند مجدانه موافق قوانین انقلابی تنبیه خواهد کرد و در زمینه روابط بین‌المللی تا درجه امکان جدیت خواهد کرد که به تخلیه کامل قشون عثمانی و انگلیس از ایران موفقیت حاصل کند. صمیمانه امیدوارم زمان آن نزدیک شده باشد که ملل دنیا حکومت‌های خود را به جلوگیری از تجاوزات نسبت به ملت ایران وادار و موانع توسعه قوی و ترقی آزادانه مملکت مزبور را مرتفع نمایند؛ به هر حال شورای کمیسیس‌های ملت روس فقط روابطی را با ایران معتبر می‌داند که مبتنی بر تعهداتی به رضایت طرفین و احترامات بین دو دولت باشد.

آنچنان که در این بیانیه آمده، دستگاه دیپلماسی روسیه شوروی ضمن حمایت و اعلام مساعدت حکومت انقلابی نسبت به اتحاد علیه استعمارگران، وعده داده است که به محض پایان عملیات نظامی در صحنه‌های جنگ، نیروهای نظامی روسی به سرعت از ایران خارج شوند. پس از آن که شورای انقلاب تصمیم به متارکه در جنگ جهانی اول گرفت، لئون تروتسکی، کمیسیس خارجه در نامه‌ای به سفارتخانه‌های دول متفق این موضوع را به اطلاع آن‌ها رساند. بر همین اساس و در قدم اول دول متحد، مذاکرات خود را با بلشویک‌ها در مورد عقد قرارداد صلح آغاز کردند. در جریان مذاکرات بین المان و شوروی که در منطقه برست لیتوفسک انجام شد و منجر به عقد پیمان برست لیتوفسک بین دو کشور شد، تروتسکی مطالبی را درباره حقوق ملت ایران به طرف مذاکره کننده المانی خود عنوان کرد. کمیسیس امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی اظهار داشت که «مشارالیه مایل است مظالمی که از طرف حکومت سابق روسیه به ایران بی‌طرف وارد آمده، مخصوصاً مورد توجه قرار داده و در جبران آن‌ها اقدام نماید.»

فون کولمان وزیر امور خارجه وقت المان، بیانات تروتسکی را به فال نیک گرفته و خطاب به وی اعلام کرد: «دول اروپای مرکزی همواره با یک صمیمیت مخصوصی خواهان آزادی ملت قدیم‌التمدن ایران بوده و هیچ آرزوی ندارد جز این که ایرانیان در آتیه از فشارهای خارجی رهائی پیدا کرده و تمدن خود را آزادانه تعقیب نمایند.»

در پی تلاش سفیر و کارکنان سفارت ایران در روسیه و مذاکره با مقامات روسی و المانی، حقوق و استقلال ایران در قراردادهای مربوط به متارکه جنگ و برقراری صلح بین روسیه و المان، برست لیتوفسک ۱۹۱۸، تضمین شد. پس از امضای قرارداد برست لیتوفسک، تروتسکی مفاد قرارداد را به اطلاع کاردار ایران در پتروگراد رساند. در جنوری همان سال تروتسکی برنامه پنج ماده‌ای حکومت شوروی برای تخلیه قشون روس از خاک ایران را در روزنامه «شورای کارگران و سربازان» انتشار داد. براساس این برنامه، بلشویک‌ها تصمیم گرفته بودند که افسران روس لشکر قزاق را نیز به روسیه احضار کنند.

بدین ترتیب نیروهای روسیه ایران را ترک گفتند اما در پی خروج آخرین سرباز روس، نیروهای انگلیس که از طریق عراق وارد کشور ایران شده بودند به سرعت شهر قصر شیرین و نیمی از استان کرمانشاه را تصرف کردند. هدف عمده انگلیس‌ها از حضور در عراق و ایران تسلط به ذخایر نفت این دو کشور بود. در پی وارد شدن اشغالگران انگلیس به خاک ایران، شورش‌ها و نارضایتی مردم سبب شد که دولت مرکزی ایران در بهمن [دلو] همین سال از دولت انگلستان بخواهد که با توجه به لغو عهدنامه دوجانبه ۱۹۰۷ از سوی لنین، نیروهای انگلیس نیز ایران را ترک کنند.

دولت انگلستان حدود یک سال بعد یعنی در آذر ماه ۱۲۹۷ با لغو قرارداد ۱۹۰۷ موافقت کرد. هرچند بعدها آشکار شد که هدف انگلیس‌ها از توافق بر سر لغو قرار داد ۱۹۰۷، انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ بود که بر اساس آن ایران به تحت‌الحمایگی دولت بریتانیا در می‌آمد. با این حال مجلس شورای ملی ایران با قرارداد ۱۹۱۹ مخالفت کرد و آن را مردود دانست. پس از روی کار آمدن گئورگی چیچیرین و قرار گرفتن وی در منصب کمیسر خارجی روسیه شوروی اقدامات انقلابی تداوم یافت. چیچیرین، دربارهٔ قرارداد استکباری ۱۹۱۹ انگلستان علیه مردم ایران در روز ۳۰ اگست ۱۹۱۹ چنین گفت: «در این لحظه که انگلستان درنده می‌خواهد کمند اسارات مطلق را بر گردن مردم ایران بیندازد، روسیه شوروی به طور رسمی اعلام می‌دارد که قرارداد انگلیس و ایران را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را فاقد اعتبار می‌شمارد.»

او در روز ۲۶ جون ۱۹۱۹ برابر با ۵ تیر [سرطان] ۱۲۹۸ در نامه‌ای به دولت ایران، با ذکر عناوین، کلیه امتیازات تحصیلی روسیه تزاری را به صورت یکجا لغو و باطل اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده بود: «۱- تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری الغا می‌شود، ۲- روسیه به مداخلهٔ خود در عواید ایران از قبیل گمرکات و تلگرافخانه‌ها و مالیات‌ها پایان می‌دهد، ۳- دریای خزر برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران آزاد اعلام می‌شود، ۴- سرحدات شوروی با ایران مطابق ارادهٔ سکنه سرحدی معین خواهد شد، ۵- تمام امتیازات دولت روس و امتیازات خصوصی باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط است، ۶- بانک استقراضی ایران با تمام متعلقات، ملک ایران اعلام می‌شود، ۷- خطوط تلگراف و راه‌های شوسه ساخته شده در طول جنگ به ملت ایران واگذار می‌شود، ۸- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسول‌ها کلاً باطل می‌شود، ۹- میسیون روحانی ارومیه منحل می‌شود، ۱۰- تمام اتباع روسیه متوطن در ایران مکلف هستند کلیه عوارض و مالیات‌ها را بالسویه با اهالی تأدیه نمایند، ۱۱- سرحد ایران و روس برای عبور آزاد و حمل مال‌التجاره باز می‌شود، ۱۲- به ایران اجازه ترانزیت مال‌التجاره از روسیه داده می‌شود، ۱۳- دولت روسیه از هرگونه مشارکت در تشکیل قوای مسلح در خاک ایران صرف‌نظر می‌نماید، ۱۴- دولت روسیه به ملغی شدن کارگزاری‌ها رضایت می‌دهد، ۱۵- به ایران اجازه داده می‌شود که در کلیه شهرها و بخش‌های شوروی کنسول تعیین نماید.»

منبع تاریخ ایرانی